

یک سهم بیشتری از بزهکاران طفل را به خود اختصاص داده اند؟ علت آن چیست؟

به نظر بنده این نسبت در پسران ۸۰ درصد می باشد و در پسران بسیار زیاد و در دختران ۲۰ درصد می باشد و علت آن نیز این است که اولاً خیلی از خانواده های ما هنوز بافت سنتی و مذهبی را حفظ کرده اند و دختران را بیشتر کنترل می نمایند و پسران آزاد تر هستند بدین لحاظ پسران بیشتر مرتکب بزه می شوند. ثانیاً: اصولاً جنسیت پسر نسبت به دختر پرخاشگر و ناآرام تر است در مجموع اینکه خانواده های هنوز بافت سنتی و مذهبی خود را حفظ نموده اند که این بهترین فاکتور جهت جلوگیری از ارتکاب بزه فرزندانشان می باشد.

■ شیوه های موثر تنبیه و کیفر در خصوص اطفال به نظر شما چیست؟

به نظر بنده در افراد و بزهکاریهای مختلف این قضیه متغیر است و بستگی دارد به وضعیت خانوادگی آن بزهکار و شخصیت خودش که ما با استناد به آن، مجازاتها را تعیین می کنیم و مسأله دیگر نوع بزه ای است که بزهکار مرتکب شده است و ما مجبوریم با توجه به آن چه قانون مکلف کرده است طبق قانون تصمیم بگیریم.

در هر حال ما همه فاکتورها را در نظر می گیریم و با تحلیل خودمان که از اوضاع آن متهم و اوضاع شخصیتی آن داریم این تشخیص را می دهیم که چه مجازاتی برایش موثرتر است مثلاً حتی با یک توبیخ شفاهی ممکن است قضیه پایان پذیرد اما در مواردی قانون تعیین کننده مجازات است.

■ مشکلات شما در محیط کار چیست؟

مشکلات کاری عبارتند از: ۱- عدم وجود مشاوران اجتماعی و روان شناسی در خود دادگاه ۲- نداشتن پلیس نوجوان و اطفال که بدانند با طفل و نوجوان بزهکار چگونه برخورد نمایند. ۳- عدم هماهنگی لازم که پرونده های افراد کمتر از ۱۸ سال در محاکم دیگر از دادگاه اطفال رسیدگی نماید. باید هماهنگی لازم شود که مراجع ذی صلاح سریعاً پرونده افراد کمتر از ۱۸ سال را به دادگاه اطفال ارسال کنند. ۴- در مورد اطفال فاقد سرپرست و اطفالی که از شهرستان یا تهران فرار کردند و به هیچ وجه آدرس

خانواده های خود را نمی دهند و این افراد در معرض خطر در جامعه می باشد. که ما پس از برخورد با این افراد آنها را به بهزیستی معرفی می کنیم و پس از مدتی مجدداً مرتکب بزه می شده و توسط نیروی انتظامی در خیابان دستگیر شده است که مشخص می شود در آنجا نگهداری نشده اند و نتیجتاً این که یک سازمان یا ارگان خاصی که مسؤلیت پذیر باشد وجود ندارد.

■ انتظارات جناب عالی از مسؤلان دستگاه قضایی چیست بیان فرمایید؟

از مسؤلان استدعا دارم تا به وضعیت معیشتی کارکنان دادگستری رسیدگی شود که از هر گونه فساد جلوگیری شود و خدمت حضرت آیت الله شاهرودی عرض می کنم که باید دستگاه قضایی از نظر مالی مستقل شود تا زیر مجموعه و وام دار قوه مجریه نباشد. از فرار قضات و کارکنان اداری صادق، کار کشته و مجرب جلوگیری به عمل آید و علت آن را پیگیری شوند.

◀ احمد مظفری - رئیس شعبه ۱۱۸۴ دادگاه کودکان و نوجوانان

استفاده از مجازاتهای غیر معین و جایگزین

دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس حقوق خصوصی می باشد و تا کنون در سمتهای دادیار دادرسی انقلاب، مسؤل قسمت حقوقی و امور بین الملل دادگاه انقلاب، رئیس شعبه ۳۳ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رئیس شعبه ۱۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رئیس شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران، رئیس شعبه ۲۱۰۲ دادگاه رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان.

■ اطفال بزهکار از جهت تجربه عملی و نوع پرونده های مطروحه نزد شما به چند دسته تقسیم می شوند؟ بیان فرمایید؟

در دادگاه رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان به جرایم گروه سنی رسیدگی می گردد گروه اول اشخاصی که هنوز به سن بلوغ شرعی نرسیده اند و طبق تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دختر ۹ سال و پسر ۱۵ سال قمری دارد. طبق تبصره ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی بری از مسؤلیت کیفری هستند و آیین دادرسی خاصی دارد و طبق فصل پنجم از آیین دادرسی کیفری از مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ به جرایم آنان رسیدگی

می گردد و قانونگذار ارفاق را نیز برای این گروه سنی در نظر گرفته است از قبیل غیر علنی بودن دادگاه، تعیین الزامی و کیل تسخیری در صورت عدم حضور پدر و سرپرست قانونی یا تعیین وکیل از سوی سرپرست قانونی، نگهداری موقت به جای بازداشت موقت، اقدامات مقدماتی توسط قاضی و عدم تفویض اختیار به ضابطین - حضوری بودن رای دادگاه در صورت رسیدگی به جرایم در غیاب کودک - ممنوعیت انتشار جریان دادگاه و ...

گروه دوم - افراد زیر ۱۸ سال که طبق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم آنها مانند بزرگسالان و طبق مقررات عمومی رسیدگی می گردد و تفاوتی با بزرگسالان از بعد تشریفات رسیدگی و در بعد مجازاتی ندارد. معمولاً ۹۵ درصد پرونده هایی ارجاعی به دادگاه از نوع گروه دوم یعنی نوجوانان می باشد.

■ تا چه اندازه می توان در صدور احکام در دادگاههای اطفال از مجازاتهای غیر معین و جایگزین تنبیهی استفاده نمود؟

اعمال مجازاتهای جایگزین با توجه به وضعیت اجتماعی و شخصی متهم اتخاذ می گردد و معمولاً با توجه به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر نموده است در صورت وجود جهات مخففه دادگاه می تواند در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده مجازاتها را تخفیف دهد و یا تبدیل به نوع دیگری نماید که مناسب به حال متهم باشد. طبق مواد ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ نوع مجازاتهای تعریف شده است در صدور احکام جایگزین به نظر این جانب منعی ندارد و قضات می توانند از مجازاتهای غیر معین و جایگزین استفاده کنند.

■ اطفال بزهکار در جامعه ایران عمدتاً از چه گروههایی هستند و چه جرایمی را بیشتر مرتکب می شوند؟

کودکان و نوجوانان معارض با قانون معمولاً از اقشار فقیر جامعه هستند اما در بعضی از جرایم از خانواده های نیز دیده می شوند. رانندگی بدون پروانه یا ایراد صدمه غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی در رانندگی معمولاً از خانواده های متوسط هستند که وسیله نقلیه در اختیار فرزندان خود قرار می دهند. بیشترین نوع جرایم سرقت است و بعد جرایم توام با خشونت و پرخاشگری است. بعد ایراد ضرب و جرح عمدی و منازعه و درگیری دسته جمعی و مواد مخدر، ولگردی، رابطه نامشروع و بیشتر جرایم منافی عفت و ولگردی (فرار از منزل) دیده می شود.

■ دامنه اجرایی کنوانسیون حقوق کودک در دادگاههای اطفال تا چه حد است و در صورت عدم تطابق با حقوق داخلی کدام یک اجرا می شود؟

بعد از پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک در اواخر سال ۷۷ و تایید آن از سوی مجلس شورای اسلامی قوه قضاییه تشکیلاتی را در اجرای پیمان فوق تا کنون انجام داده است.

در سال ۷۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به تصویب رسید که در ماده ۸ آن به رئیس قوه قضاییه اختیار داده می شود به لحاظ تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی با ابلاغ خاص



امیر حسینی



احمد مظفری

برای رسیدگی به امور کیفری، خانوادگی، اطفال و... امثال آن تعیین و منصوب نمایند. و تا این که در سال ۷۸ آیین دادرسی قانون فوق به تصویب می رسد. در قانون فوق ازمواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ به آیین دادرسی کودکان و نوجوانان اختصاص داده می شود. پس ملاحظه می گردد بعد از الحاق ایران به پیمان نامه حقوق کودک، جمهوری اسلامی ایران کلیه تمهیدات لازم را در جهت حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان انجام داده است از قبیل تصویب قوانین مناسب ایجاد دادگاهها و مرجع ذی صلاح برای رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان و غیره.

طبق اصل ۷۷ قانون اساسی کلیه پیمانها و عهدها باید به تایید و تصویب مجلس شورای برسد و در صورت تایید مطابق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانونه است اما در تصویب الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، ایران با حق تحفظ به آن ملحق شده است اول اینکه خلاف موازین اسلامی نباشد و هر جا که خلاف موازین اسلامی بود پیمان نامه اجرا نخواهد شد و دوم خلاف موازین داخلی نباشد که این امر قابل تفسیر می باشد چون وقتی به پیمان نامه پیوستیم موظف به اجرای تعهدات پیمان نامه هستیم. اگر متعهد نباشیم این گونه الحاق به اجرای کنوانسیون را به تمایل حکومتها واگذار می کنند و چنین امری به خلاف روح حاکم بر کنوانسیون می باشد.

ماده واحده: کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می شود، مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد. پس نتیجه می گیریم که در صورت تعارض یا حقوق داخلی پیمان نامه اجراء نخواهد شد. مثل قصاص که در پیمان نامه مورد پذیرش قرار نگرفته است.

■ تا چه اندازه تاسیس دادسراهای ویژه اطفال در کنار دادگاهها موثر است؟

البته دادسرای ویژه اطفال نداریم و بهتر است به جای اطفال کلمه نوجوانان استفاده شود و بگوییم دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان که بعد از تصویب اصلاحیه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۸۱ تشکیل گردید. این امر در رسیدگی به جرایم نوجوانان مشکلاتی را برای محاکم ایجاد نمود مثلاً طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاحی سه نوع جرم باید به طور مستقیم در دادگاهها رسیدگی گردد:

- ۱- جرایم مشمول حد زنا و لواط ۲- جرایمی که مجازات قانونی آنان تا سه ماه حبس و تا یک میلیون جزای نقدی است و ۳- جرایم اطفال.

با توجه به قوانین موجود طفل تعریف شده است طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی طفل کسی است که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده باشد و در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال قمری تعیین شده است لذا پرونده نوجوانان باید قبل از ارسال به دادگاه به دادسرا ارسال پس از رسیدگی در صورت احراز

برگامه به پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال و شود. در خصوص اینکه به چه کسی طفل می گویند اختلاف نظر بین دادسرا و محاکم ویژه رسیدگی به جرایم کودکان پیش آمده بود که سرانجام پس از اخذ نظریه اداره حقوق و مراجع دیگر تصمیم گرفته شد که فقط جرایم اطفال به طور مستقیم باید در دادگاه اطفال رسیدگی گردد نه جرایم نوجوانان. در این رابطه نواحی مختلف دادسرا به جرایم نوجوانان رسیدگی می کردند و این باعث اطلاع دادرسی و بازداشت بیش از اندازه نوجوانان شد که در نواحی مختلف به جرم آنان رسیدگی ویژه گردید مضافاً این که برخورد یکسانی نیز با نوجوانان معارض با قانون صورت گیرد در یک ناحیه شدید برخورد می شود و در ناحیه دیگر با رافت سرانجام این موضوع از طریق مسؤولین مربوطه یعنی ریاست محترم دادگستری و دادستان عمومی و انقلاب اسلامی تهران مورد بررسی و تصمیم گرفته شد دادرسی ویژه جهت رسیدگی به جرایم نوجوانان تشکیل گردد که خوشبختانه از اول مهر ماه دادسرای ویژه نوجوانان در کنار دادگاههای رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان تشکیل شد در حال حاضر اطلاع دادرسی کمتر می باشد زیرا پرونده پس از احراز بزه و صدور کیفرخواست سریعاً به دادگاه ارسال می گردد و دادگاه در همان روز تصمیم می گیرد و ثانیاً برخورد یکسانی با نوجوانان می شود چون در جلسات هفتگی قضات دادسرا پرونده های مشابه را مطرح و تصمیم واحد گرفته می شود. پرونده های نوجوانان به دادسرای ویژه مشخص ارجاع می شود تا در آینده مسؤولین مربوط بتوانند در جهت پیشگیری و تحقیقات لازم تصمیم بگیرند و در صورت نیاز، آموزش ویژه بگذارند چون قضات کمتری در این بخش وجود دارند آموزش آنان راحت تر خواهد بود.

■ آیا کلاترپها و نیروی انتظامی در نحوه برخورد پدرقه و بازداشت با اعزام اطفال برخوردی متناسب و هماهنگ با دادگاهها دارند یا خیر؟

متأسفانه مامورین نیروی انتظامی و مامورین پدرقه و بازداشت از زندان رعایت برخورد مناسب با نوجوانان معارض با قانون را ندارند و حتی دستور دادگاهها را در این موارد اجرا نمی کنند که بارها این تذکر به مسؤولین آنان داده شده ولی متأسفانه تأثیر نداشته است. با توجه

به قانون طبق ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ضابطین حق تعقیب و تحقیق از اطفال را ندارند ولی متأسفانه دیده می شود که پرونده پس از بازجوییهای کامل به دادگاه ارسال می گردد و دیگر کاری نمی شود کرد و به نظر می رسد باید سرپرست مجتمع ماهانه با کلاترپها تحت پوشش جلسه داشته باشد و موارد را تذکر و قانون را آموزش دهد.

■ دادگاهها در چه مواردی می توانند ولایت را از ولی طفل سلب نمایند؟

البته در دادگاههای رسیدگی کننده به جرائم کودکان و نوجوانان مسأله امور حسبی و حقوق توجه نمی گردد و دادگاهها فقط به جرایم رسیدگی می کنند، در خصوص سلب ولایت از ولی در ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی که بعد از انقلاب اصلاح شد شرایط سلب ولایت قید گردیده است.

■ در این مواقع باید طفل را به چه کسی سپرد؟ در صورت سلب ولایت از ولی طفل برای او از طرف دادگاه قیم تعیین می گردد. نگهداری و تربیت و اداره امور مالی به عهده قیم گذاشته می شود.

■ راهکارها و پیشنهادهای خود را خصوص رسیدگی به جرایم اطفال و کاهش جرایم این قشر از جامعه بیان فرمایید؟

پیشنهاد در خصوص کاهش جرایم توسط اطفال: البته طبق آماری که در دست می باشد در طول ۲ سال در حدود کمتر از ۱۵ نفر از ۱۵۰ نفر از اطفال بزهکار اعزام نشده اند و بیشتر آمار، مربوط به نوجوانان می باشد شاید بیش از ۹۵ درصد پرونده ارسالی به دادگاه متعلق به نوجوانان است و برای این قشر باید برنامه ریزی نمود اولین پیشنهاد من این است که قاضی در اعمال مجازات به آثار آن توجه داشته باشد. نه فقط جرم ارتکابی را، معمولاً قضات، توجی کمی به آثار مجازات می دهند و حتی بعضیها صریحاً اظهار می دارند که قانونگذار باید آثار اعمال مجازات را در نظر بگیرد که به نظر می رسد این نگرش باید تغییر نماید. دوم در برخورد با کودکان و نوجوانان معارض با قانون باید برخورد ترمیمی داشت نه برخورد تنبیهی و کیفری. سوم: به وضعیت و شخصیت کودکان و نوجوانان

معارض با قانون توجه شود تا مجازات در نظر گرفته شده متناسب با شخصیت و باشد و به نوعی باید برای کودک و نوجوان پرونده شخصیت تشکیل داد تا با توجه به اطلاعات کسب شده در خصوص وضعیت اجتماعی کودک و نوجوان و خانواده اش تصمیم مناسبی اخذ شود. چهارم: پلیس حق برخورد و تحقیق از کودکان را نداشته و در صورت مشاهده جرایم مشهود صریحاً کودک یا نوجوان را در آن وقت با گزارش تحویل دادسرای ویژه یا دادگاه نمایند و در خصوص نوجوانان نیز پلیس نوجوان تشکیل تا در کلاتری فقط آنان فقط حق برخورد اولیه با نوجوان را داشته باشند و آموزشهای لازم را نیز ببینند. چهارم: تشکیل دادگاههای اختصاصی برای کودک و نوجوان و تدوین و تصویب قانون آیین دادرسی خاص برای آنان. پنجم: آموزش و ارتقای سطح علمی و آگاهی کودکان و نوجوانان و خانواده آنان در رابطه با حقوق و وظیفه‌ای که در برابر خانواده و اجتماع دارند و نیز آموزش مهارتهای زندگی به آنان. ششم: تهیه آمار جامع و کامل از کودکان و نوجوانان معارض با قانون و علل شیوع بزه توسط آنان و برنامه ریزی جهت پیشگیری.

متاسفانه اکنون آمار دقیق از جرایم کودکان و نوجوانان در دست نمی باشد و اعلام افزایش جرایم کودکان و نوجوانان در رسانه های گروهی بیشتر نظر شخصی افراد می باشد و مبنای علمی ندارد. هفتم: مراقبت بعد از خروج از کانون کودکان و نوجوانان معارض با قانون. هشتم: ایجاد موسسات حمایتی برای کودکان در معرض خطر یا در شرایط دشوار. نهم: برخورد قاطع با کودک آزاری و سوء استفاده از کودکان و استثمار آنها. دهم: تعیین مرجع واحد در برخورد با کودک آزاری. یازدهم: استفاده از مجازاتهای جایگزین در برخورد با کودکان و نوجوانان مثل حبس در منزل و حرفه آموزی. راهکارها و پیشنهادها:

۱- لزوم آموزش تخصصی برای قضات دادسرا و دادگاه کودکان و نوجوانان و تمام افراد مرتبط دیگر. ۲- برگزاری سمینارهای سالانه برای قضات دادسرا و دادگاههای کودکان و نوجوانان. ۳- ایجاد مراکز

مشاوره در کنار دادسرا و دادگاه کودکان و نوجوانان و مراکز ویژه حمایت از کودکان. ۴- ممنوعیت بازداشت کودکان و نوجوانان توسط پلیس و تشکیل پلیس نوجوان و آموزش تخصصی آنان. ۵- اطلاع رسانی دقیق به کودک و خانواده وی در مورد عمل ارتكابی. ۶- تشکیل پرونده شخصیت که حاوی تمامی اطلاعات مربوط به کودکان و نوجوانان بزهکار باشد. ۷- استفاده از سیستم تعدد قاضی در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان. ۸- تدوین آیین دادرسی خاص برای کودکان و نوجوانان. ۹- آموزش ضمن خدمت قضات رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان. ۱۰- آموزش خانواده و ارتقای سطح دانش تربیتی - حقوقی خانواده در این رابطه. ۱۱- آموزش مربیان و مسئولان تربیتی در مدارس. ۱۲- تدوین قوانین حمایتی. ۱۳- الزام نهادهای قانونی به اجرای دستورهای قاضی و مساعدت و همکاری با قضات دادسرا و دادگاه رسیدگی کننده جرایم کودکان و نوجوانان. ۱۴- تهیه و ارسال به موقع قوانین مربوطه به حقوق کودک برای قضات مربوطه.

« حبیب اله غلامی - رئیس شعبه ۱۱۸۶ دادگاه عمومی تهران (ویژه اطفال) »

طلاق در بزهکاری ۹۰ درصد تأثیر دارد

■ آیا طلاق در بزهکاری اطفال موثر است یا خیر؟ تأثیر آن تا چه اندازه می باشد؟

مسلم است والدین ارکان خانواده می باشند و بچه های ایشان در سایه والدین با آرامش تمام به کمال می رسند و در ترتیب آنان پدر و مخصوصاً مادر نقش بسزایی دارد مانند یک باغبان نهالهای شاداب خود را زیر نظر گرفته و در رشد جسمی و فکری آنها هر روز دقت بسزایی دارند و این بچه ها با توجه به عوطف سرشار پدر و مادر به رشد خود در کانون خانواده و در اجتماع ادامه می دهند. وقتی که خدای ناکرده اختلافی

بین والدین پیش آمد کند و کار به جدایی بکشد کانون گرم خانواده از هم پاشیده می شود و نونهالان آن بی سرپرست می مانند و با قهر طبیعت و جامعه و بادهای تند آن روبه رو شوند. در این زمان طفل بدون این که زیر نظر تربیت یک مربی دلسوز رشد کند با انواع مشکلات عدیده ای زندگی روبه رو می شود و از نظر روحی و جسمی صدمات عدیده به وی وارد می شود. عطفوت در وجود او کشته می شود و همه چیز برای او ناموزون و ناهماهنگ جلوه می کند. مثل یک علف هرز در اجتماع بشری رشد می کند و تمام قوانین و مقررات اجتماعی برای او بی معنا و ارتكاب جرم و جرایم برای سهل و آسان می شود. زیرا تربیت پدر و مادر در وجود او جایگاهی نداشته مثل یک برگ در اجتماع به حیات خود ادامه می دهد به همین دلیل در اسلام طلاق خیلی بد شمرده شده و رسول گرامی اسلامی می فرماید: تلخترین چیز در این دنیا نزد من طلاق است. مشخص است که درختی که تلخ باشد میوه آن نیز تلختر از آن حاصل می شود. پس تأثیر طلاق در بزهکاری اگر صددرصد هم نباشد ۹۰ درصد تأثیر دارد.

■ مهمترین عوامل بزهکاری در این سنین چیست؟ مشروحاً بیان فرمایید؟

مهمترین عوامل بزهکاری در سنین کودکی و نوجوانی برای اطفال به نظر این جانب عدم تربیت صحیح و تعلیم ایشان است زیرا هنگامی که طفل آشنایی با قوانین و مقررات و عادات عرف و جامعه نداشته باشد مثل یک انسان کور جلوی پایش را نمی بیند و به هر چاله و چاهی در مسیر زندگی می افتد. مربی دلسوزی مثل پدر و مادر می خواهد که دست این طفل را بگیرد و آن را در زندگی هدایت صحیح و زندگی سالم بیاموزد و از عوامل دیگر می توان به عدم وجود عطفوت در زندگی روزمره طفل اشاره کرد که بدون مهر و محبت پدر و مادر رشد پیدا می کند و انسان خشن بی عاطفه، بی رحم در اجتماع نمایان می شود و همچنین در مقابل تندبادهای جامعه صدمات بی شمار از نظر روحی و بدنی متحمل می شود، وقتی قدرت به دست او برسد یک نوع حس انتقامجویی در وجود او حاصل می شود و می خواهد ظلمهایی که در دوران طفولیت به وی وارد شده عقده آنها را از طریق ارتكاب جرایم باز کند.

■ مشکلات محکمه در امر رسیدگی به این نوع پرونده ها چیست؟

محکمه در درجه اول باید در اثر گفتگو وضعیت روحی و روانی و اجتماعی و اقتصادی و معیشتی و همچنین موقعیت خانوادگی طفل را با دقت تمام بررسی کند. درد جانشین طفل را پیدا کند و در مقابل آن به درمان مناسب که اصلاح و تربیت نامیده می شود اقدام کند و طوری عمل کند و طوری عمل کند که طفل متوجه عطفوت قاضی شود و صداقت او را بفهمد و در مقابل آن به منفی نگیرد و اعتماد کامل به او پیدا کند تا عقده های بی شمار درون خودش را در طبق اخلاص فراروی قاضی قرار دهد و قاضی نیز مثل یک پدر



حبیب اله غلامی